



پرواز در تاریکی محض

گزارشی از همراهی خلبانان بالگردهای تخصصی پرواز در شب با سامانه های نوین دید در شب

غفور یان- تاریکی شب دیگر برایشان معنا ندارد، وقتی هوا تاریک می شود با سامانه های دید در شب، همه جا عین روز روشن می شود...

الان پاسی از شب گذشته و من به اتفاق دو خلبان کار کشته از اتاق عملیات پایگاه به طرف بالگرد حرکت می کنیم. همه جا تاریک است و غیر از نور افکن های آشیانه و چراغ های دور دست شهر جایی دیگر دیده نمی شود. در فاصله چند ده متری مان جنبیده ای را می بینم که به نظرم سگ نمی آید، چشم هایش برق می زند و در حال حرکت به طرف دیگر باند است. آقای خلبان حواسش هست و انگار می شناسدش می گوید، روباه است و این جاز یاد رفت و آمد دارد. با هماهنگی هایی که از قبل برای تهیه گزارش انجام شد، سر هنگ عینی فرمانده خوش ذوق پایگاه هوانبروز مشهد این امکان را برایمان فراهم کرد تا امشب به همراه دو خلبان با تجربه به تمام مراحل انجام عملیات پرواز در شب با سامانه های جدید دید در شب آشنا شویم.

من با همراهی سر هنگ خلبان محمدرضا زارعی جانشین پایگاه و سر هنگ خلبان علی اصغر حسن زاده که هر دو از خلبانان با سابقه بالای پرواز بالگرد هستند به پرندمدنظر می رسیم. می گویند این بالگرد اولین پرندۀ تجهیز شده به سیستم دید در شب پایگاه است. مسئول نگهداری بالگرد هم آن جاست و پرندۀ را برای انجام پرواز آماده کرده است، او یک مهندس جوان متخصص در امور فنی و نگهداری بالگرد است که در طول مدت حضور ما و انجام مقدمات، مثل یک پدر که مراقب فرزندش است، دور بالگرد می چرخد و کارهای آن را رتق و فتق می کند.

■ **شب است و سکوت هست و پرواز**

سوار بالگرد می شویم، قبلا یک نوبت در همراهی هیئت دولت در سفر استانی در تیم خبرنگاران سوار بالگرد نظامی شده بودم اما این بار ماجرا متفاوت بود. اولاً که نزدیک کابین خلبانان بودم و همه تنظیمات و سیستم های پیچیده و عجیب بالگرد را از نزدیک می دیدم و دوم این که قرار بود همه این اتفاقات در شب و با سامانه دید در شب رخ دهد. سر هنگ زارعی می گوید: اساساً این تجهیزات هستند که نوع پرواز بالگرد را تعیین می کنند. بالگردهای ما تا چندی قبل قابلیت پرواز در شب را نداشتند تا این که با تدابیر فرماندهان محترم هوانبروز و تلاش برای این که قابلیت پرواز عملیاتی در شب فراهم شود، با کوشش متخصصان داخلی به لطف خداوند امروز توانسته ایم به سیستم هایی دست یابیم که امکان پرواز و عملیات در صحنه رزم در شب برایمان فراهم شود. سر هنگ به سیستم لانچر (غلاف برای حمل و شلیک راکت) اشاره می کند و می گوید: این مدل بالگرد قبلاً

• دید در شب، یک ویژگی مهم سیستم دید در شب است



• خلبان حسن زاده-زارعی

مسلاح نبود اما امروز همچون پیشرفته ترین بالگردهای روز دنیا، توان انجام عملیات های شکاری در روز و شب را دارد. سر هنگ که خودش بالاترین مراحل و دوره های پرواز بالگرد را تجربه کرده و سابقه پروازی اش در شب هم بالاست، می گوید: تا قبل از تجهیز بالگردها به سامانه های دید در شب امکان پرواز محدود در شب در مسیرهای کاملاً آشمارا داشتیم که به صورت تجربی و با علم و آگاهی از مسیر و محل فرود انجام می شد اما حالاً می توانیم در مسیرهای کاملاً ناآشنا و در صحنه رزم وارد پیچیده ترین عملیات ها شویم. دو خلبان زارعی و حسن زاده همزمان که سیستم ها را تنظیم و آماده پرواز می کنند، درباره سامانه دید در شب هم توضیحات فنی می دهند. توضیحات آن ها پر است از واژه های تخصصی که من حالا سعی می کنم آن ها را به زبانی ساده گزارش کنم. وضعیت نما یا ماینیتور های مقابل خلبانان محدوده وسیع دید مقابل و اطراف را بر اساس نقشه مثل روز روشن نشان می دهد و انگار نه انگار که در تاریکی محض هستیم. به علاوه این ماینیتور، «گالز» که

نوعی دوربین دید در شب با مسافت یاب لیزری است و شبیه عینک مقابل صورت خلبان قرار می گیرد، همین عملکرد یعنی با کاربرد لیزری محدوده دید را در تاریکی تا ۵ کیلومتر نشان می دهد که واقعا امکانی عجیب و فوق العاده تماشایی است. این سیستم مسافت یاب لیزری همزمان ارتفاع، هدف و مسیر را با کمترین خطا برای خلبان مشخص می کند.

■ **دید در شب در انحصار چند کشور محدود**

از خلبان زارعی درباره این توانمندی در کشور ها می پرسم، که این گونه می گوید: چند کشور محدود در جهان این سیستم را دارند که طبیعتاً در اختیار دیگران قرار نمی دهند، اما متخصصان ما در صنایع دفاعی توانسته اند این سیستم های فوق پیشرفته را تولید کنند و امروز ما با افتخار جزو کشور های محدودی هستیم که از حدود دو، سه سال قبل دارای این قابلیت هستیم. تازه جالب است که بگویم، من خود نمونه «گالز» فرانسوی را قبل از این که نمونه ایرانی تولید شود تست کرده بودم اما زمانی که گالز ایرانی تولید و در اختیارمان قرار گرفت باور کنید نمونه ایرانی بسیار کیفیت و شفافیت تصویر بالاتری نسبت به نمونه فرانسوی داشت. آن طور که از اطلاعات تجهیزات دید در شب این بالگردها در می یابم، دوربین دید در روز این سامانه می تواند در فاصله کانونی ۵/۴ تا ۹۱ میلی متر زوم کند و قابلیت فوکوس به صورت دستی و اتوماتیک را دارد. دوربین دید در شب این سامانه نیز از سنسور های پیشرفته با قابلیت تفکیک بالا، فاصله کانونی ۱۰۰ میلی متر و زوم ۲ تا ۴ برابر بهره می برد. همچنین این سامانه این قابلیت را دارد که به صورت آنلاین تصاویر به دست آمده را برای سایت های فرماندهی و کنترل ارسال کند. خلبان حسن زاده که خودش نیز از خلبانان تخصصی پرواز در شب است، به یک نکته مهم هم اشاره می کند که قبلاً این کمبود در سیستم دفاعی وجود داشت که شب هنگام و در موقعیت تهاجم حریف، ما امکان پخش کردن پرندۀ هایمان را نداشتیم و به همین دلیل ممکن بود بالگردهایمان در معرض خطر قرار بگیرد اما حالا خدای ناکرده اگر در چنین موقعیتی قرار بگیریم می توانیم در کمترین زمان، پرندۀ ها را در موقعیت های ناشناخته قرار دهیم تا در معرض آسیب قرار نگیرند البته این را هم بگویم که این نکته صرفاً یک پیش بینی و یک راهبرد نظامی است و گزارش ما اینست که جمع باشد که باتوجه به آمادگی نیروهای مسلح ما، دشمن جرئت ندارد به خاک کشور عزیزمان حتی نگاه چپ کند. خلبان حسن زاده درباره دوره های پروازی عملیاتی توضیحاتی برام می دهد و می گوید پرواز در شب حتماً ۱۰ برابر نسبت به

صدا، دوربین، خاکریز

به سراغ چند بازیگر خاطره انگیز فیلم های دفاع مقدسی رفتیم

دلیل کم کاری فیلم سازان این است که تفکر فرامسون ها در سینما و تلویزیون ما حاکم است. با وجود این که سالی ۲، ۳ اثر دفاع مقدسی ساخته می شود ولی اخراجی ها، لیلی با من است و آژانس شیشه ای پر فروش ترین های تاریخ سینما بودند و سینمای ما با این فیلم مامعرفی شد و خون شهید و انقلاب تاثیر خود را گذاشته اما ادای دین نکرده ایم. من با شهید کاوه بزرگ شده ام و فیلم نامه ای نوشته ام اما ۲۰ سال است منتظر تصویب آن هستم چون بوجه ندارند.

■ **عبدالرضا اکبری: نویسنده ها به دنبال کشف قصه های تازه نیستند**



آن زمان که شروع کردم اوج جنگ بود و فرهنگ، موسیقی، سینما و تئاتر مان تحت تاثیر جنگ بود. فیلم هایی همچون کانی مانگا و عقاب ها گوشه ای از رشادت های رزمندگان را به تصویر کشید. کمی جلوتر سینمای ما به زندگی آدم های مرتبط با جنگ و به فیلم هایی همچون سرعت و پناهنده پرداخت. هرچه دور تر شدیم تولید کمتر شد چون تولید اثر در ژانر دفاع مقدس سخت و پر خرج است و ادوات نظامی می خواهد. هر کارگردانی که وارد این حوزه می شود باید آدم های جنگ و حالات روحی و روانی آن ها را بشناسد تا به درستی آن را به تصویر بکشد. همچنین باید خیلی از ادارات برای تولید اثر دفاع مقدسی وارد شوند و ابزار ی همچون بالگرد، اسلحه و جنگنده در اختیار گروه های فیلم ساز قرار دهند. خیلی جاها ابزار بوده اما مدیریت لازم نبوده و آن ابزار در دست استفاده نشده است برای همین فیلم های ضعیف تولید شده اند. اکنون فیلم های محدود جنگی ساخته می شود چون در قصه های مان پرداخت نداریم و نویسنده ها به دنبال کشف قصه های تازه و قلم زدن در این ژانر نیستند. سرمایه ساخت فیلم جنگی چندین برابر فیلم معمولی است و کارگردانی ریسک نمی کند بنابراین متولیان فرهنگی و دولت باید

مقوله دفاع مقدس در تاریخ کشور ما بی نظیر است، بدون شک هر فیلمی از دفاع مقدس که با «برخی ها» آغاز شد و شاید خیلی رنگ و بوی دفاع مقدس را نداشت اما مردم را به این اتفاق بزرگ معطوف می کرد تا آخرین آثار سینمایی مثل «تنگه ابوقریب»، تاثیر بسیار مثبتی در زنده نگه داشتن آدم های جنگ و اتفاقات بی نظیر آن دوره داشته است. معتقدم سینمای دفاع مقدس مثل یک قطره است از اقیانوس بیکرانی که در آن دوره اتفاق افتاد. از فیلم های دفاع مقدس «آژانس شیشه ای» را بیشتر از همه می پسندم و خیلی دوستش دارم. البته قبل از آن فیلم «افق» جزو فیلم های خوب دفاع مقدسی است که اواخر جنگ ساخته شد و بعد از جنگ فیلم های خوبی روی پرده نشست که از بین آن ها «آژانس شیشه ای» و «از کرخه تا این» خیلی خوب بودند. از آثار برجسته دفاع مقدس می توانم «پرواز در شب» را مثال بر زنم. بهترین کارگردان دفاع مقدس رسول ملاقلی پور بود که کارش را با «سقای تشنه لب» آغاز کرد و فیلم های خوبی در عرصه دفاع مقدس ساخت. یادش گرامی باد.

■ **ماشاء... شاهمرادی زاده: ادای دین نکرده ایم**



فیلم سازان ژانر دفاع مقدس زحمت کشیده اند و اثری را خلق کرده اند. مسئولان، متصدیان یا آدم هایی که در ژانر دفاع مقدس قلم زده اند دغدغه خود را کار کرده اند نه دغدغه جنگ را. شما اگر از ابراهیم حاتمی کیا انتقاد کنید و بگویید چرا فیلم تان را این گونه ساخته اید؟ پاسخ می دهد «نظر من این است». او ۱۰ میلیارد خرج می کند و «بادیگارد» را می سازد در صورتی که اگر همین بوجه را به هر فیلم سازی بدهند از آن خوش ساخت تر هم می شود! سوال این جاست آیا متصدیان فرهنگی توانسته اند بخشی از جنگ و انقلاب را برای نسل جوان روایت کنند؟ غیر از حاتمی کیاتعداد معدودی کارگردان همچون جمال شورجه و رسول ملاقلی پور در این ژانر فیلم ساخته اند.

پرواز در روز حساسیت و سختی دارد اما پرواز در شب را با هیچ پروازی نمی توان عوض کرد چرا که لذتشرافتمنی توان توصیف کرد.

■ **آماده پروازیم...**

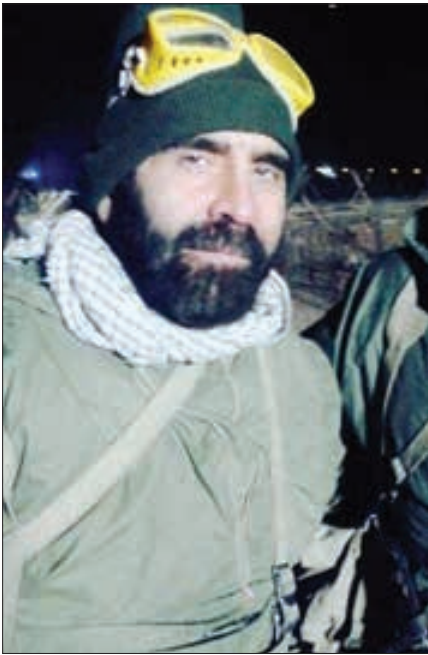
ما حالا آماده پروازیم، همان طور که یکایک خلبانان تیزپرواز در جای جای این سرزمین بزرگ و پرافتخار هر لحظه آماده پروازند برای دفاع از وطن. فرمانده پرواز ما حالا سر هنگ زارعی است که به لباسش اشاره می کند و می گوید این را هم بنویس که این لباس من و همه همکارانم در راه دفاع از دین و وطن و مردم عزیزمان کفن مان خواهد بود...



• آقای خلبان عکس فرزندش را در کلاه پرواز جانیابی کرده است

از این ژانر حمایت کنند تا اثری در خصوص جنگ و بدی ها و خوبی هایش ساخته شود.

■ **اصغر نقی زاده: مدیران سلیقه ای عمل می کنند**



همان گونه که افراد با تفکرات و سواد های مختلف به جبهه می آمدند ما هم باید برای هر سلیقه ای فیلم بسازیم. خیلی از کارگردان ها می گویند فلان فیلمم بهترین اثر است! مگر پر تقال است؟ جنگ ژانر های مختلف دارد؛ کمدی، اکشن، جدی و رابطه آدم ها. فیلم عقاب ها را ۴۰ سال تماشاچیان مختلف دیدند و اکشن بود. در مملکت ما همه چیز بر پایه سیاست است مثلاً اگر در روزنامه شما مدیر تان عوض شود دیگری با سیاست و نگرش خودش از شما مطلب می خواهد و اگر نپذیری باید خانه نشین شوی. هر مسئولی با نگرش خود در گونه فرهنگی مدیریت می کند و سلیقه ای است. در شورای عالی انقلاب فرهنگی ۸ سال پیش عده ای آمدند و رفتند و حالا عده ای دیگر آمده اند با سیاست و تفکر خودشان. یکی کمدی می پسندد و دیگری جنگی. پول و قدرت دست مسئولان است و فرقی نمی کند تلویزیون باشد یا وزارت فرهنگ و ارشاد یا سازمان و نهادهای دیگر، سیاست ها را آن ها مشخص می کنند. با رفتن مسئولی فرد دیگری می آید و ژانر دیگری را می پسندد، در این ۴۰ سال این گونه بوده است.